

اوشمارا از زمین پدید آورد و خواستار آبادکردن آن از شما شد.

چگونه نفت به دست می آوریم؟

انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و این استخراج در بعضی از اوقات زمان زیادی می گیرد، زیرا گندن در طبقه های صخره ها می باشد. در ایران در درون زمین ثروت های بسیاری است؛ سرزمین ما سرشار از نفت و گاز است و قسمتی از آن دو را به کشورهای صنعتی صادر می کند. انسان نفت را از زمان قدیم شناخت، آن را از روی (سطح) زمین جمع می کرد و از آن به عنوان سوخت و درمان بیماری های پوستی استفاده می کرد. کارگران چاهی را حفر می کنند (می کنند) و لوله ای را در آن قرار می دهند، پس نفت به وسیله ی لوله بالامی آید و لوله با شیرهایی باز و بسته می شود. انتقال نفت از طریق (از راه) لوله ها کم خطرتر و کم خرج تر از انتقالش با نفت کش ها است و برای انتقال دادن (منتقل کردن) نفت به وسیله ی لوله ها از طریق (از راه) سرازیری ها وسیله هایی برای کم کردن فشار به کار گرفته می شود تا لوله ها سالم بمانند.

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از طریق (از راه) لوله ها دارد و آن از بزرگ ترین کشورهای صادر کننده ی نفت و موفق ترین نشان در کشیدن خطوط لوله ها و نگهداری (محافظت) آن ها از مکان های تولید گرفته تا مکان های مصرف است.

در امتداد (راستای) لوله ها ستون های مخابرات مانند ایستگاه های هشدار دهنده وجود دارند و تابلوهای هشدار آمیز به رنگ زرد هم وطنان را از کندن زمین برای ساختن ساختمانی یا برای کشاورزی هشدار می دهند. برهر شهروندی واجب است (هر شهروندی باید) از این لوله ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت تماس بگیرد.

از نفت مشتقات بسیاری مانند بنزین و روغن ها به دست می آوریم. نفت استفاده ی دیگری در صنعت دارد، از آن پلاستیک (کائوچو)، عطرها، داروها، حشره کش ها، مواد آرایشی، خمیر دندان، کود شیمیایی و غیر از آن ها ساخته می شود.

نفت چگونه و به کجا منتقل می شود؟

نفت از طریق لوله ها از چاه ها یا بندرها به پالایشگاه ها منتقل می شود، سپس نفتکش ها مشتقات نفت را از پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشورهای منتقل می کنند.

ص. ۸۴ : نکات و آیه نامه

- اتصالات: مخابرات اتَّصَلَ به معنی "تماس گرفت" است.

- استعمار: خواستار آباد کردن شد، از عمران به معنی "آبادانی" گرفته شده است.

- استغرق: طول کشید

- استهلاك: مصدر [جزء کلماتیست که باید از نظر معنایی به آن توجه کرد، زیرا از نظر ظاهر مشابهتی ندارد].

- أقل خطرأ: کم خطرتر، کم خطرترین؛ این ترکیب حاوی یک نکته ی قواعدیست که در کتاب های متوسطه ی دو ذکر نشده، اما از نظر ترجمه مهم

است و طراح سؤال می تواند مشابه آن را در آزمون ها طرح کند: أقل جمالاً: کم زیباتر (کسی که زیبایی کم تر است.)، أكثر نظافةً: تمیزتر. ترکیب:

اسم بروزن أفعَل + مصدر منصوب.

- أنبوب: لوله، جمع: أنابيب؛ از نظر مفرد و جمعی مانند أسلوب (شیوه) و أسبوع (هفته) و .. است.

- إنذار: هشدار، هشدار دادن = تحذیر. حروف اصلی: ن ذ ر، مصدر باب إفعال است: أَنْذَرَ يَنْذِرُ أَنْذَرُ إنذار

- اُنْشَأُ: پدید آورد، آفرید، ایجاد کرد. حروف اصلی: ن ش ء ، ماضی باب افعال است: اُنْشَأُ يَنْشِئُ اُنْشِئُ اِنْشَاء
- بُلْدَان: کشورها، سرزمین ها، مفرد: بَلَد. بَلَدٌ دو جمع مکسر دارد: بُلْدَان، بِلَاد؛ پس بُلْدَان=بِلَاد
- بِنَاء: ساختن، ساختمان، حروف اصلی: ب ن ي ، از فعل ثلاثی مجرد: بَنَى يَبْنِي
- تَجْمِيل: زیباساختن، آرایش کردن
- تَحْذِيرِيَّة: هشدارآمیز، مترادف اِنْذَارِيَّة. حروف اصلی: ح ذ ر، مصدر باب تفعیل: حَذَّرَ يَحْذَرُ حَذْرٌ تَحْذِيرٌ
- سَمَاد: کود، جمع: اُسْمِدَة
- صَدَّر: صادر کرد، حروف اصلی: ص د ر، ماضی باب تفعیل: صَدَّرَ يَصْدِرُ صَدْرٌ تَصْدِيرٌ
- صُخُور: صخره ها، مفرد: صَخْرَة
- صِيَانَة: نگهداری، تعمیر، مصدر مجرد از حروف اصلی ص و ن، فعل: صَانَ يَصُونُ صِيَانَة
- عَبْرَ: از راه، از طریق
- مُبِيد: از بین برنده = مُهْلِك، حروف اصلی: ب ي د
- مَحَطَّة: ایستگاه، حروف اصلی: ح ط ط
- مَدَّ: کشیدن، مصدر ثلاثی مجرد از حروف اصلی م د د : مَدَّ يَمُدُّ مَدًّا (امر) مَدَّ (مصدر)
- مَصَافِي: پالایشگاه ها، مفرد: مَصْفَى، حروف اصلی: ص ف ي
- مَطَّاط: پلاستیک، کاؤوچو، حروف اصلی: م ط ط
- مُنْحَدَر: سرازیری، حروف اصلی: ح د ر ، از باب انفعال: اِنْحَدَرَ يَنْحَدِرُ اِنْحِدَارٌ
- نَاقِل: منتقل کننده، حروف اصلی: ن ق ل
- وَقُود: سوخت، حروف اصلی: و ق د. توجه ۱: با سوخت به معنی سوختن فرق دارد. توجه ۲: مفرد است، نه جمع
- يُفْتَحُ متضادُّ يُغْلَقُ
- يُفْتَحُ، يُغْلَقُ و يُنْقَلُ مجهولند.

ص. ۸۶: درك مطلب

۱. کشورما تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از طریق لوله ها دارد. صحیح
۲. انسان از نفت در ساخت مواد آرایشی استفاده می کند. صحیح
۳. در راستای لوله ها ستون های مخابرات یافت نمی شود. نادرست
۴. نفت از چاه به بندر صادرات منتقل می شود. نادرست
۵. انتقال نفت از طریق لوله ها پرخطرتر است. نادرست

ص. ۹۱: التمرین الأول: کدام کلمه از کلمات واژه نامه با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱. مکانی بر ساحل دریا که کشتی ها در کنارش دیده می شوند. میناء(بندر)

۲. گودال عمیقی که از آن آب یا نفت استخراج می شود. بئر (چاه)

۳. ماده ای مانند بنزین، نفت و گاز. وقود (سوخت)

۴. به کارگیری و بهره مندی. استهلاك (مصرف)

۵. محافظت از چیزها. صيانة (نگهداری)

ص ۲۰: نکات متن درس

- کیف: کلمه ی پرسشی، نَحْضَلُ: فعل، عَلی: حرف جر، النَّفْطُ: مجرور به حرف جر؛ جمله فعلیه

- یَسْتَخْرِجُ: فعل، الإنسان: فاعل و مرفوع با ضمّه، النفط: مفعول و منصوب بافتحه، من: حرف جر، باطن مجرور به حرف جر با کسره، الأرض:

مضاف إليه و مجرور با کسره؛ جمله فعلیه

- هذا: مبتدا،... یَسْتَعْرِقُ: خبر از نوع فعل، وقتاً: مفعول و منصوب با فتحه، طویلاً: صفت وقتاً و منصوب بافتحه

- فی ایران: جارومجرور و خبرمقدم، ثروات: مبتداء مؤخر، كثيرة: صفت ثروات، فی باطن: جارومجرور با کسره، الأرض: مضاف إليه و مجرور با کسره،

بلاد: مبتداء، غنیة: خبر (از نوع اسم)، هی: مبتداء، تُصدَّرُ: خبر از نوع فعل، الصنایعیة: صفت،...الجلدیة: صفت. یُغْلَقُ: فعل مجهول، الأنبوب: نائب فاعل

و مرفوع باضمه

-نُقِلَ: مبتدا و مرفوع با ضمّه (*توجه: با نَقَلَ که فعل است اشتباه نشود.)، النَّفْطُ: مضاف إليه، عَرَب: قید مکان و منصوب، الأنبیب: مضاف إليه،

أقلّ: خبر از نوع اسم و مرفوع با ضمّه، خطراً: نخوانده و می خوانیم!!

- تُسْتَخْدَمُ: فعل مجهول، آلات: نائب فاعل و مرفوع باضمه (مفرد: آله)

- لإیران: جارومجرور

- هی: مبتدا، من أكبر: خبر از نوع جارومجرور

ص. ۸۵:

- تُوجَدُ: فعل مجهول، أعمدة: نائب فاعل و مرفوع باضمه، اتصالات: مضاف إليه و مجرور با کسره

- لوحات: مبتدا و مرفوع با ضمّه، تحذیریة: صفت لوحات و مرفوع با ضمّه، الأصفر: صفت لون و مجرور با کسره، تُحَدَّرُ: خبر از نوع فعل، المُواطنین:

مفعول و منصوب با ی

- یَجِبُ: فعل،.. صيانة: فاعل و مرفوع با ضمّه، هذه: مضاف إليه

- للنَّفْطُ: جارومجرور، آخر: صفت و مرفوع باضمه

- یُصْنَعُ: فعل مجهول، المَطَّاط: نائب فاعل و مرفوع با ضمّه

- الحشرات و التّجمیل و الأسنان: مضاف إليه، الکیمیائی: صفت

- یُنْقَلُ: فعل مجهول و النَّفْطُ: نائب فاعل و مرفوع با ضمّه، من الآبار: جارومجرور با کسره

- تَنْقَلُ: فعل معلوم، الناقلات: فاعل و مرفوع باضمه، مشتقات: مفعول و منصوب، النَّفْطُ: مضاف إليه

*توجه: نَقَلَ یَنْقَلُ: منتقل کردن، جابه جا کردن، فعل ثلاثی مجرد، مجهول: نُقِلَ یُنْقَلُ منتقل شدن، جابه جاشدن

انْتَقَلَ یَنْتَقِلُ انتَقَلَ: منتقل شدن، جابه جاشدن، فعل ثلاثی مزید از باب افتعال، معلوم و لازم // انتَقَلَ = نُقِلَ